

## «فرمان مقاومت»

### حماسه‌ای دیگر از ارتش ایران

فرمان مقاومت، خاطرات ابراهیم شوشتری از شورش پادگان هوایی قلعه مرغی ۸ شهریور ۱۳۲۰، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۶ ش، ۱۴۲ ص.

■ مجتبی تهریزیا

◀ در ساعت ۸/۵ صبح پنجم شهریور ۱۳۲۰ ش فرمان ترک مقاومت به کلیه نیروهای نظامی ابلاغ شد. در کتاب حاضر نشان داده شده است چگونه گروهی از افسران و درجه‌داران نیروی هوایی مستقر در پادگان قلعه مرغی، از این دستور سرپیچیده، تصمیم به قیام می‌گیرند.

صبح پنجم شهریور ۱۳۲۰ ش فرمان ترک مقاومت به کلیه نیروهای نظامی ابلاغ شد. نیروهای شوروی از شمال و انگلیسی‌ها از جنوب به پیشروی پرداختند و به هم پیوستند. کابینه علی منصور نخست وزیر سقوط کرد و ذکاءالملک فروغی به نخست‌وزیری رسید. در روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ نیروهای انگلستان و شوروی به سوی تهران حرکت کردند.

با وجودی که فرمان ترک مقاومت صادر شده بود، اما در کتاب حاضر نشان داده شده که چگونه گروهی از افسران و درجه‌داران نیروی هوایی مستقر در پادگان قلعه مرغی، بدون وابستگی به جریان‌های خارجی مانند پیروزی‌های آلمان و هواخواهی و تمایل دولت و مردم ایران به هیتلر و همچنین بدون سازماندهی و نقشه از پیش طرح‌ریزی شده، صرفاً در پی جوش احساسات وطن‌دوستی و همیت مبارزه با اشغالگران وطن، از این دستور سرپیچیده، تصمیم به قیام می‌گیرند. این کتاب که نخست در سال ۱۳۳۶ ش به صورت رشته مقالاتی در روزنامه «اتحاد ملی» منتشر شده است (از شماره ۴۸۱، ۱۲ شهریور تا شماره ۴۸۹، ۷ آبان ۱۳۳۶ ش)، این بار با

جنگ جهانی دوم با حمله آلمان به لهستان در اوایل شهریور ۱۳۱۸ ه. ش / ۱۹۳۹ م آغاز گردید. پس از آن پیشروی نیروهای آلمانی به سوی شوروی و با فاش شدن سیاست خاورمیانه‌ای هیتلر که هدفش بسط نفوذ آلمان در این منطقه و تصرف چاههای نفت و ضربه زدن به دول متخاصم اروپایی در مناطق مستعمراتی آنان بود، یکباره وحشت سرپای انگلستان را در بر گرفت. بنابراین کشورهای چون انگلستان و آمریکا که خود را دشمن شوروی می‌دانستند، تصمیم به یاری او گرفتند. استالین نیز که خطر آلمان را بسیار جدی می‌دید، دست دوستی کشورهای سرمایه‌داری را فشرده و حتی در ترغیب آنان برای کمک به شوروی دست به هرکاری زد.

در آغاز جنگ، دولت ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد و اظهار داشت که اجازه نخواهد داد تا قوای بیگانه از خاک ایران بگذرند. اتخاذ این سیاست در عمل به نفع آلمان بود زیرا یگانه راهی که عملاً امکان تقویت جبهه شوروی از طریق آن امکان داشت کشور ایران بود. متفقین که تصمیم خود را برای ورود به ایران گرفته بودند، در تیرماه ۱۳۲۰ ش از ایران خواستند که ۴ آلمانی‌های مقیم ایران را اخراج کند و در عوض از ۵ کارشناسان متفقین استفاده کند. اما دولت ایران با تاکید بر بی‌طرفی از این امر سرپناز زد.

اما چون پیشروی آلمانی‌ها در شوروی به حدی رسید که اگر کمی در جلوگیری از آن تاخیر می‌شد، آنان به زودی به چاه‌های نفت، یعنی شریان حیاتی انگلستان دست می‌یافتند، بنابراین در روز سوم شهریور ۱۳۲۰ ش سفرای انگلستان و شوروی به طور جداگانه، یادداشت‌هایی تسلیم ایران کردند و اعلام نمودند که چون ایران در مقابل متفقین سیاست مبهمی در پیش گرفته است، ارتش‌های آنان ناگزیر از ورود به ایران هستند. با انتشار خبر ورود متفقین به ایران، ارتش رضاخان از هم پاشید. در نواحی کرمانشاه و بعضی بنادر شمال و جنوب، بخشی از نیروهای ایرانی در مقابل قوای انگلستان مقاومت کردند اما سرانجام در ساعت ۸/۵

اضافات و اصلاحاتی چند مستقلاً به چاپ رسیده است. در مقاله حاضر، پس از شرح حوادث این قیام نافرجام و خودانگیخته، پنج مطلب مستقلاً که پیرامون موضوع فوق‌الذکر در کتاب حاضر جمع‌آوری شده است، معرفی و بررسی خواهد شد:

در روز هشتم ۱۳۲۰ ش تعدادی از افسران و درجه‌داران پادگان نیروی هوایی قلعه مرغی (در تهران) به ریاست سروان وثیق، که روز قبل فرمان ترک مقاومت در برابر اشغالگران ایران برای آنها صادر شده بود، به دنبال یک صحبت مخفیانه، تصمیم می‌گیرند ابتدا پادگان را در اختیار خود بگیرند، سپس راساً با نیروهای شوروی و انگلستان که در حال پیشروی به داخل خاک ایران بودند به مقابله برخیزند. لذا در صبح این روز، به محض ورود «تیمسار خسروانی» فرمانده وقت نیروی هوایی به پادگان قلعه مرغی، افسران و درجه‌داران ناراضی او را دستگیر کرده، ابتکار عمل و کنترل پادگان را در اختیار خود می‌گیرند. اما این موفقیت اولیه به سرعت با شکست مواجه می‌شود زیرا به محض اطلاع ستاد ارتش از این واقعه، شماری از یگان‌های زمینی، پادگان را محاصره کرده، پس از درهم شکستن مقاومت قیام‌کنندگان و کشته و زخمی شدن عده‌ای و فرار عده‌ای دیگر، پادگان تصرف و تیمسار خسروانی نیز در حین درگیری از معرکه می‌گریزد. اما دو تن از اعضاء اصلی قیام یعنی سروان وثیق، رئیس عملیات و خلبان ابراهیم شوشتری، با نزدیک شدن نیروهای پیاده، با هواپیما به سوی هدفی نامعلوم، به پرواز در می‌آیند. اما دقیقاً بعد با چند هواپیمای روسی درگیر شدند که در نتیجه آن، سروان وثیق پس از سقوط کشته می‌شود و ابراهیم شوشتری، که بخش اصلی خاطرات کتاب حاضر به او تعلق دارد، پس از سقوط هواپیمایش و دستگیری توسط روس‌ها و ماهها اسارت و بازجویی، به همراه عده‌ای دیگر به ایران عودت داده می‌شود. اگرچه چند ماه دیگر نیز در تبریز، تحت نظارت و بازداشت روس‌ها باقی ماند ولی از آنجا که در این مدت رضاشاه جای خود را به پسرش داده بود و شاه جدید نیز برای کسب وجهه، زندانیان سیاسی را آزاد کرده و سیاست تساهل در پیش گرفته و فضای مناسبی فراهم آمده بود تا خلبان شوشتری موفق گردد پس از بازگشت به تهران مورد عفو فرماندهان نیروی هوایی و ارتش ایران قرار گیرد و مجدداً به خدمت در نیروی هوایی ادامه دهد. خلبان شوشتری در سال ۱۳۲۵ ش از نیروی هوایی استعفا داد و به فعالیت‌های حزبی روی آورد لیکن مدتی بعد، از فعالیت حزبی هم خسته شده از این فعالیت‌ها کناره گرفت. استوار شوشتری در واقع تنها بازمانده از اعضاء اصلی حادثه هشتم شهریور است که خاطراتش، اولین مطلب کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد. وی خاطرات خود را از ابتدای ورود به ارتش و سپس نیروی هوایی و اندکی از زندگی خصوصی‌اش شروع می‌کند. سپس ماجراهایی که در پادگان قلعه مرغی اتفاق افتاده را شرح می‌دهد. خاطرات شوشتری از چند ویژگی مهم برخوردار است: اول اینکه وی از اعضاء اصلی و دست‌اندرکاران مستقیم و شاهد عینی واقعه بوده است، لذا در جریان همه مسائل قرار داشته است. دوم اینکه او تنها کسی است که

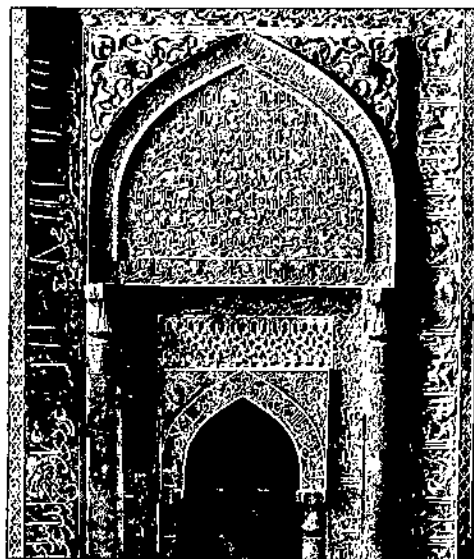
از وقایع پس از سرکوب قیام و سرنوشت خود و سروان وثیق، که برای ارتش، مردم و روزنامه‌نگاران در حاله‌ای از ابهام قرار گرفت، اطلاع می‌دهد، زیرا پس از پرواز این دو نفر، چنین شایع شده بود که آنها به ترکیه و از آنجا به آلمان رفته، به ارتش این کشور پیوسته و مورد توجه خاص هیتلر قرار گرفته‌اند، در حالی که در خاطرات شوشتری می‌خوانیم که سروان وثیق ساعتی پس از پرواز سقوط کرد و بعداً هیچ خبری از وی بدست نیامد و خود او که پس از سقوط در جنگل‌های شمال ایران، به دست روس‌ها دستگیر شده بود، پس از انتقال به شوروی چند ماه بعد به ایران باز می‌گردد. نکته سومی که به استناد خاطرات شوشتری می‌توان گفت اینک، قیام آن‌ها، حرکتی خودانگیخته و عاری از هرگونه وابستگی به جریانات یا گروه‌های داخلی و خارجی بوده و برخلاف شایعاتی مبنی بر هواخواهی و طرفداری قیام‌کنندگان از آلمان، شوشتری تصریح می‌کند که صرفاً حس وطن دوستی و خشم ناشی از اشغال کشور توسط بیگانگان تنها انگیزه قیام بوده است. نکته چهارمی که از این خاطرات می‌توان برداشت کرد، اینک قیام مذکور با نقشه و طرحی از پیش برنامه‌ریزی شده، به مرحله اجرا درنیامد، بلکه در پی صحبتی دوستانه در شب قبل از حادثه و به صورتی خودجوش و ناگهانی سر برآورده است. به عبارت دیگر، فاصله زمانی میان تصمیم به مقاومت و اجرای آن به قدری اندک بوده که فرض استفاده از فرصت و زمان مناسب برای هرگونه طرح‌ریزی و سازمان‌بندی را بعید می‌نماید.

اگرچه شوشتری هیچ اشاره‌ای به گردهمایی یا جلسه‌ای برای طراحی این حرکت نمی‌کند، اما در مطالب بعدی کتاب به این جلسه در شب قبل از حادثه اشاره شده است. در هر صورت خاطرات ابراهیم شوشتری، بهترین و کاملترین منبع تاریخی درباره وقایع هشتم شهریور ۱۳۲۰ در یادگان قلعه مرغی است.

دومین مطلب کتاب تحت عنوان «واقعه قلعه مرغی» به نقل از شخصی به نام «محمد رضا خلیلی عراقی» در «وقایع شهریور». وجه پیوند و ارتباط نویسنده این مطلب با حوادث هشتم شهریور مشخص نیست که آیا وی جمعی یگان مستقر در یادگان قلعه مرغی و حاضر در واقعه بوده یا به گونه‌ای دیگر با آن مرتبط می‌شده؟ به گفته آقای خلیلی عراقی، طرح نقشه و تقسیم وظایف هیئت انقلابی و عملکرد گروه در شب قبل از واقعه یعنی شب هشتم شهریور، صورت گرفته بود. در آن شب عده‌ای از افسران که شایعه خروج شاه از پایتخت و عزیمت او به اصفهان را شنیده بودند، تصمیم می‌گیرند. مستقلاً و با یک عمل انقلابی، ابتکار عمل را در دست بگیرند و با به دست گرفتن کنترل یادگان، از پیشروی دشمن در خاک ایران جلوگیری نمایند. اما همانطور که گذشت، ابراهیم شوشتری که خاطرات او در مجموعه حاضر موثق‌ترین منبع به نظر می‌رسد، از این جلسه مشورتی در شب قبل از حادثه صحبتی به میان نیاورده است. در مطلب دوم، آن مقدار از حوادثی که پس از پرواز ابراهیم شوشتری در یادگان قلعه مرغی به وقوع پیوست، یعنی وقایعی که منجر به آگاهی ستاد ارتش از قیام افسران نیروی هوایی و چگونگی محاصره و تصرف یادگان قلعه مرغی توسط

یگان‌های زمینی و از هم پاشیدن کانون مقاومت نیز بیان شده است. بنابراین دو مقاله اول کتاب مجموعاً مکمل یکدیگر به حساب می‌آیند. محمدرضا خلیلی عراقی نیز مهمترین علت و انگیزه قیام افسران هوایی را وطن‌پرستی و بیگانه‌ستیزی می‌داند، نه شاد دوستی یا هواخواهی از آلمان.

سومین مطلب کتاب تحت عنوان «شکست کودتا در نیروی هوایی» به قلم فریدون خادم، بخشی از سلسله مقالات روزنامه اطلاعات با سر مقاله «ناگهان در یک سپیده دم»، شماره ۱۵۴۰۶، مورخ ۱۴ شهریور ۱۳۵۶ ش است که به واقعه مورد بحث از بیرون نگریسته و در بیان علل آن، تمایلات آلمان دوستی رایج در آن دوران، به ویژه در میان ارتش را، مهمترین عامل دانسته است. روزنامه‌ها و همچنین اکثر مردم، این شورش نافرجام را از سوی عده‌ای افسر طرفدار آلمان که تا قلب روسیه پیش رفته بود، می‌دانستند. همانطور که می‌دانیم هم رضاشاه و هم مردم ایران که از دخالت‌ها و دسیسه‌بازی‌های همسایه شمالی (شوروی) و انگلیس به تنگ آمده بودند،



در سال‌های قدرت‌گیری هیتلر، علاقه وافری نسبت به او و قدرت فزاینده و قلمرو روبه افزایش از خود نشان می‌دادند. ابراهیم شوشتری نیز در خاطرات خود می‌نویسد که بارها از زبان مردم شنیده بود که شایع شده او و افسر فرمانده و هم‌رزمش به آلمان رفته و در ارتش هیتلر به درجات عالی مفتخر گردیده‌اند.

در مقاله سوم کتاب، همچنین از قول روزنامه اطلاعات آن زمان، صحبت از «یک سلسله عملیات جنگی» از قبل برنامه‌ریزی شده است که البته این هم ناشی از ابهام موجود در اخبار این واقعه و نیز روحیات خاص ژورنالیستی است زیرا همانطور که در خاطرات شوشتری نیز خواندیم، واقعه مورد بحث در پی یک تصمیم آنی یا حداکثر به دنبال هم‌صدایی و هم‌فکری و هم‌رایی عده‌ای از وطن‌دستان نیروی هوایی در شب قبل از حادثه و بدون طرح و نقشه قبلی دیگری صورت گرفته بود. در هر صورت مقاله مذکور هیچ منبع و مأخذی برای نوشته‌های خود ارائه نکرده است و دو ایراد فوق نیز بر آن وارد است.

چهارمین مطلب کتاب نیز ضمن تایید و تکمیل

وقایع فوق، از ویژگی خاص خود برخوردار است. این نوشته، نامه‌ای است از شخصی با «امضاء محفوظ» در توضیح و پاسخ به مقاله فریدون خادم و در آن مدعی است: «شاید صالح‌ترین فردی باشم که حق دارم درباره حادثه هشتم شهریور ۱۳۲۰ در نیروی هوایی و علل وجود آمدن آن و شناخت عوامل دست‌اندرکار قیام از لحظه پیدایش فکر قیام تا پایان آن اظهار عقیده نمایم». نویسنده این نامه، ضمن اینکه حادثه مذکور را یک «قیام در راه وطن» خوانده، نه «کودتا»، تاکید دارد که حس وطن‌پرستی و شاه دوستی، مهمترین انگیزه آن بوده است. بنابراین اگر اظهار دوم نویسنده را اغراق در تمایلات شخصی نویسنده بدانیم، اما گفته اول وی را می‌توان مطابق با اظهارات ابراهیم شوشتری و به واقعیت ماجرا نزدیک دانست.

آخرین مطلب کتاب نیز به گزارش مشاهدات شخصی به نام «ابوالفضل سپهر» اختصاص دارد که به گفته خودش، هنگام وقوع شورش هنگ قلعه مرغی، وی درجه‌دار نیروی هوایی و یکی از پرسنل آن هنگ بوده و برخی ماجراها را از نزدیک شاهد بوده است. نویسنده خاطرات ابتدا مقدمه‌ای درباره زمینه گرایش جوانان ایرانی به آلمان و نقش دولت و روزنامه‌ها در دامن زدن به این تمایل سخن می‌گوید. سپس ماجرای شورش را از اول تا هشتم شهریور و پس از آن تشریح می‌کند. این نوشته که بیشتر از اوضاع و احوال عمومی هنگ، مانند وضعیت آماده باش و اخبار مشکوک و شایعات و وضع اسلحه و مهمات و تغذیه و به طور کلی وضعیت ارتش صحبت می‌کند، در کنار مطالب قبلی، مجموعاً، تا حدود زیادی خواننده را از علت و کم و کیف شورش قلعه مرغی در هشتم شهریور ۱۳۲۰ ش آگاه می‌سازد. برخی از نوشته‌های این مقاله در هیچ یک از موارد قبلی دیده نمی‌شود زیرا راوی این خاطرات، از کسانی بوده که پس از پرواز شوشتری و وثیق، در یادگان ماند و به مبارزه ادامه داد.

از مجموع نوشته‌ها و مطالب این مجموعه می‌توان به این استنباط رسید که حادثه قیام نافرجام عده‌ای از افسران و درجه‌داران نیروی هوایی در یادگان قلعه مرغی تهران، یک نوع قیام بر ضد فرمان دولت مستأصل و وابسته به قدرت‌های خارجی ایران، مبنی بر ترک مقاومت ارتش در برابر نیروهای اشغالگر، بدون دخالت مستقیم یا غیرمستقیم عناصر خارجی مانند دست پنهان آلمان و یا جریانات فکری و حزبی داخل و به دور از انگیزه و تفکر کودتایی از پیش طرح‌ریزی شده، به ویژه تحت تاثیر حس وطن‌دوستی چند تن از افسران نیروی هوایی به وقوع پیوست تا بدین ترتیب برگ زرین دیگری از دفتر حماسه‌های سلحشوران ایران در تاریخ این مرزوبوم رقم بخورد. نکته دوم اینکه قیام با همان سرعتی که شعله‌ور شد، به همان سرعت نیز به خاموشی گرایید. شاید علت آنهم فقدان برنامه‌ریزی بوده باشد.

در خاتمه لازم است از جناب آقای کاوه بیات که در این مجموعه، گوشه‌ای از تاریخ ناگفته و در زیر غبار زمان فراموش شده مرزبانان ایران را که برخاسته از همیت و غیرت وطن‌پرستی بوده، به تصویر کشیده‌اند، به سهم خود تقدیر و ستایش نمایم.

زیرنویس:

۱ - فرمان مقاومت، خاطرات ابراهیم شوشتری از شورش یادگان هوایی قلعه مرغی، ۸ شهریور ۱۳۲۰، تهران، شیرازه، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۵-۱۰۴